شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۴۴۴۰
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

حضور حماسی طیف‌های مختلف مردم یکی از تاریخی‌ترین نماز جمعه‌های تهران را رقم زد

مردم، پناهگاه ایران

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

تهران، تل آویو نیست. مردم ایران هم شهرک نشینانی نیستند که با هزار وعده و اما و اگر ساکن این سرزمین شده باشند. ایرانیان صاحبخانه‌هایی هستند که خط قرمزشان تجاوز به خاک و سرزمین است. فرق ایرانی‌ها با ساکنان سرزمین‌های غصب شده و استیجاری که با نسل کشی و کشتار مردم آن سرزمین صاحب آن شدند، این است که در طول تاریخ برای حفظ سرزمین و وطنشان تا آخر ایستادند. ترس بزرگ آنها، از دست رفتن سرزمین‌شان است نه حمله و تجاوز دشمن. حالا اگر دشمن متجاوز، اسرائیلی باشد که ۴۷ سال مرگش را انتظار می‌کشیدند، دیگر چندپاره کردن این مردم و ترساندشان، از محالات روزگار است. روز گذشته ایران تصویر این همدلی و ایستادگی که گوشه‌هایی از آن در شبکه‌های اجتماعی و پویش‌های مجازی، در یک هفته گذشته دیده می‌شد را به نمایش گذاشت و اثبات کرد که ایرانیان همان مردمانی هستند که مقابل تجاوز صدام ۸ سال ایستادند، همان ایرانی که فریادش را به سمت رژیم دست نشانده‌ای بلند کرد که شاهش حتی برای انتصاب وزرایش هم از آمریکایی‌ها اجازه می‌گرفت و گوش به فرمان آنها بود و آن را سرنگون کرد.

خانواده ایران

معنای واقعی همه آمده بودند را ظهر جمعه میدان انقلاب در تهران، قاب دوربین‌ها ثبت کردند. زنانی که با روسری نیم بند روی سرشان، حیدر حیدر می‌گفتند و مردانی که زیر آفتاب و گرما با فرزندشان که روی شانه گذاشته بودند، یاد می‌دادند که چطور شعار بدهند. نوجوانانی که پلاکارد «نه به صلح تحمیلی»، کنار عکس آقا را در دست گرفته بودند و جوانانی هم بودند که از جمعیت و سوژه‌هایی که می‌بینند، عکس و فیلم بگیرند برای به اشتراک گذاشتن در شبکه‌های اجتماعی‌شان. جوانی که خال کوبی روی بازویش نشان وطن‌پرستی‌اش بود، امام جمعه‌هایی که با لباس رزم و اسلحه آمده بودند که خطبه بخوانند که بگویند، آمده‌اند برای نبرد. همه اینها تصویری کوچک اما با شکوه از جامعه و خانواده ایران را به تصویر می‌کشید که برای ماندن پشت ایران و محکوم کردن تجاوز صهیونیست‌ها آمده بودند. در روزهای گذشته چهره‌ها و سلیقه‌های مختلفی به سبک و سیاق خودشان از علاقه‌شان به وطن گفتند، بازیگرانی مثل امین زندگانی از حضورش در خیابان‌های تهران فیلم گرفت و گفت اینجا خانه‌اش است و جایی نخواهد رفت. سردار آزمون هم هزینه یک هتل را پرداخت کرد، برای آنکه اگر پناهگاهی لازم بود و جایی برای ماندن نبود، مردم به آنجا بروند. عیادت جمعی از بازیگران و هنرمندان از مجروحان تجاوزات صهیونیستی، س حضور برخی از هنرمندان مثل هدایت هاشمی که گفت: «فقط برای این آمده که بگوید ما ملتی ریشه‌داریم که پشت یکدیگر ایستادیم.» نشان می‌داد، پای وطن و تجاوز به آن که در میان باشد، مردم جور دیگری هوای یکدیگر را دارند و به میدان می‌آیند. حالا فرقی نمی‌کند، در چه لباسی و چه جایگاهی باشند.

بازهم خطا کردید

ایرانیان آنقدر ایستادگی را خوب بلدند که می‌توانند راه و روش آن را به ساکنان دیگر سرزمین‌ها یاد دهند، مخصوصا اگر پای تجاوز به سرزمین‌شان وسط باشد. زمانی که صدام فکر می‌کرد دوهفته‌ای به تهران می‌رسد و نظام نوپای ایران را سرنگون می‌کند و همزمان هم نیروهای نیابتی‌اش در تهران، سران و مقامات کشور را ترور می‌کردند و البته از ترور مردم عادی در نانواها، خیابان‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس دریغ نمی‌کردند، همین ایستادگی ۸ ساله مقابل دشمن متجاوز و تحمل شرایط سخت دوران جنگ بود که دشمنان ایران را وادار به عقب نشینی کرد. تجمع ظهر جمعه مردم ایران در خیابان‌ها نشان داد که آنها هنوز هم روی حرفشان ایستاده‌اند و عرق به وطن و میهن، نسل در نسل و فرزند به فرزند هنوز در آنها زنده است. اگرچه حقه پوچ صهیونیست‌ها که می‌گفتند جنگ آنها نه با مردم ایران که با نظام حکمرانی ایران است، بعد از اعلام آمار و اسامی شهدا، لو رفته و شکست خورده بود، اما آنها این اختلاف افکنی برنامه‌ریزی شده را پیش می‌بردند تا مردم را خانه نشین کنند و قدرت جمهوری اسلامی که بخش زیادی از آن پشتوانه مردمی است را تضعیف کنند. نماز جمعه دیروز اما نشان داد، صهیونیست‌ها علاوه بر آنکه در محاسبات نظامی‌شان در مواجهه با ایران، خطا کردند، هنوز مردم ایران را هم خوب نمی‌شناسند، نقطه ضعف ایرانی‌ها تجاوز قدرت خارجی است، به خاطر آن رگ غیرتشان باد می‌کند، بزرگترین اختلافات با هم‌وطنانشان را کنار می‌گذارد؛ هر سختی را تحمل می‌کنند اما به متجاوز امتیاز نمی‌دهند.

همراهی مردم، راز بقای ایران در تندباد حوادث

حکومتی که مردمی داشته باشد که وطنشان برایشان مهم است و تجاوز دشمن به خاک آن، خط قرمزی است که حاضرند بدور از اختلافات، برای آزادی آن بجنگند، راز بقای یک سرزمین است. این همراهی همان در گرانی است که ایران را در میانه اتفاقات تلخ منطقه و ناآرامی‌ها و برنامه‌ریزی‌های دشمن، ایمن کرده است. به همین خاطر بود که در سال‌های گذشته، کار ویژه دشمنان ایران، اختلاف افکنی و چند قطبی کردن جامعه ایران برای کمرنگ کردن این احساس همدلی بود. دست گذاشتن روی هر موضوعی که رنگ و بوی دفاع از میهن و دادن احساس یکپارچگی به مردم داشت با این کلید واژه که این «تیم جمهوری اسلامی است»، «این جنگ جمهوری اسلامی است»، «این پیروزی جمهوری اسلامی است» نه مردم. با هدف جدا و کمرنگ کردن احساس وطن دوستی مردم و محدود کردن این علایق به قومیت و شهر محل سکونت مردم بود. در یک هفته گذشته اما اتفاقات کوچک و شیرینی مثل نانوایی که ساعتی بعد از شنیدن شهادت برادرش، مشغول پختن نان برای دادن به خلق‌الله می‌شود و داروخانه‌ای که در شرایط جنگی، از گرفتن تعرفه خدمات دارویی صرف نظر می‌کند، نشان می‌داد، پروژه غیریت سازی مردم ایران با یکدیگر و اختلاف افکنی در میان آنها شکست خورده است. شروع همین جنگ، شروع شکست این پروژه بود، چرا که دقیقا در بحران‌هاست که مردم ایران یکدل می‌شوند و همین ایرانی بودن برای آنها کافیست تا قومیت و تفاوت‌هایشان بی‌معنی شود. تجمع همدلی و همبستگی در روز جمعه نشان داد، شاید تلاش‌های دشمنان برای اختلاف افکنی، آسیب‌هایی به مفهوم اتحاد ملی زده بود، اما حالا نه تنها این پروژه شکست خورده است، بلکه جامعه ایرانی مثل روزهای شروع جنگ با صدام، همان قدر استوار، دلسوز و دوستدار وطن به میدان آمده است. این همان سرمایه‌ای است که دشمنان ایران به دنبال نابودی آن با دستکاری افکار عمومی بودند و حالا روز جمعه بر باد رفتن تلاش‌هایشان به دست خودشان را مشاهده کردند.

مقاومت، برای مردم ایران، خود پیروزی است

در روزهایی که ساکنان سرزمین‌های اشغالی از ترس موشک‌های ایران، قایق به قایق به قبرس فرار می‌کنند و رژیم هم جلوی خروج آنها را می‌گیرد تا شهرها بیشتر از این خالی نشود، روزهایی که ساکنان سرزمین‌های اشغالی، ساعت‌ها در پناهگاه‌ها می‌مانند و شب‌ها در مترو می‌خوابند، برخی ایرانی‌هایی که برای تحصیل یا کارهای دیگر موقتا، خارج از کشور بودند، برای آنکه کنار هم‌وطنانشان باشند، خودشان را به ایران رساندند، تهرانی‌ها پویش در تهران می‌مانم راه می‌اندازند و خبری هم از پناهگاه رفتن نیست. در میانه این جنگ تحمیل شده و دست برتر جنگجویان ایرانی، مردم ایران به خیابان آمدند برای آنکه کنار جنگجویان ایران بمانند و از آنها حمایت کنند. در چهره‌های تجمع کنندگان رنگی از ترس نیست، حتی هراسی از آنکه مباد، حمله و تجاوزی از دشمن به آنها بشود در صورت‌هایشان دیده نمی‌شود. اگر در میدان انقلاب ساعتی می‌نشستید و فقط مردم را نگاه می‌کردید، به روشنی قابل مشاهده بود که این مردم، شبیه جنگ‌زده‌ها یا کسانی که از جنگ ترسیده باشند نیستند. به جای به پنگاه رفتن به خیابان آمده‌اند، معنایش روشن است. لابلای هیاهوها، مردی که بلندگو دستش گرفته و وظیفه رهبری جمعیت برای شعار دادن را به عهده دارد، فریاد می‌زند که انشالله نماز را در کربلا بخوانیم. خانمی در بین جمعیت می‌گوید ما می‌خواهیم در قدس نماز بخوانیم، لبخند می‌زند و به طرح مسجد الاقصی در میدان نگاه می‌کند. آن طرف جمعیت، زیر گرمای آفتاب، چند خانم و آقا، لیوان لیوان برای مردم شربت می‌ریزند. حس و حال این مردم شبیه آنهایی نیست که خود را باخته باشند یا از جنگ ترسیده باشند. نزدیک ایستگاه متروی انقلاب خانمی کنار دستم در حالی که جمعیت را نگاه می‌کردم، می‌گوید «دوسه ساعتی میشه خبر نخوندیم ببینیم چه خبره» در بین خانم‌هایی که از گرما اعتراض می‌کنند، خانمی صدایش را بلند می‌کند و می‌گوید «همه آتیش‌ها رو سر اسرائیه اینجا فقط خنکیه» یک خانم هم از بین جمعیت، لعن و نفرین می‌فرستد به اسرائیل. همه چیز مثل روزهای جنگ با صدام است، فرقش این است که اینبار به جای لعن صدام، اسرائیل را لعنت می‌کردند. آن طرف‌تر دختر جوانی با دوستش از این می‌گفت که منطقه آنها صدای انفجار آمده یا نه و او هم جواب می‌داد که هرشب صدا می‌شنوند. نسل جدید انقلاب، جنگ را ندیده‌اند، اما انگار راه و رسمش را خوب بلدند. تهرانی که این روزها هدف تجاوز صهیونیست‌ها قرار گرفته، همان حال و هوای روزهای تجاوز صدام را دارد. همان مردمی که روزهای اعزام رزمندگان با سلام و صلوات جوانانشان را راهی میدان جنگ می‌کردند، حالا فرزندانشان، خواهر و برادرهایشان، از اینکه برای فریاد زدن بر سردشمنی مشترک دورهم جمع شدند، لبخند می‌زنند و سر زنده‌اند. انگار شجاعت در مقابل متجاوز، در تار و پود هویت ایرانیان، تنیده شده است، ایرانیان روزهایی را زندگی می‌کنند و در حال مقابله با دشمنی هستند که در روزهای تجاوز رژیم صدام، رزمندگانش به شوق مقابله با دشمن بزرگ یعنی اسرائیل می‌جنگیدند تا بعد از صدام سراغ آنها بروند، اصلا چرا باید بترسند؟

دستگاه دفاعی صهیونیست چطور منگ شد؟

برای‌تان سورپرایز موشکی داریم

حملاتی که طی دو روز گذشته انجام شد در مجموع نشان‌دهنده افزایش اثر حملات است. روز پنجشنبه و جمعه روی هم ۴ موج جدید از حملات موشکی ایران به سمت سرزمین‌های اشغالی انجام شد. روز جمعه تک‌موشک شلیک‌شده از جانب ایران مرکز ارتباطات رژیم در پارک فناوری گاو یام در بئرالسبع را مستقیماً هدف قرار داد و موشک دقیقاً به هدف اصابت کرد. تا به این ترتیب این گزاره اثبات شود که پدافند موشکی رژیم‌صهیونیستی به قدری تضعیف شده است که اثرگذاری موشک‌های شلیک‌شده ایران به حد کمال بیش از همیشه نزدیک شده باشد. شلیک موشک‌های با کلاهک‌های بارشی دیگر شگفتانه امواج موشکی دو روز گذشته است.

حمله صبحگاهی به رامات‌گان و تل‌آویو

صبح روز پنجشنبه، رامات‌گان که به‌عنوان قلب اقتصادی سرزمین‌های اشغالی شناخته می‌شود، زیر باران موشک‌های ایرانی قرار گرفت. این منطقه به دلیل ویژگی‌های اقتصادی و استراتژیک خود، یکی از اهداف اصلی حملات ایران بود. مرکز بورس الماس اسرائیل، مرکز بورس اوراق بهادار و مالی، برج‌های دوقلو و برج موشه آویو، دانشگاه بار ایلان، منطقه فناوری‌های پیشرفته، فرماندهی مرکزی ارتباطات، کنترل و اطلاعات ارتش رژیم‌صهیونیستی و ساختمان مرکزی اطلاعات و عملیات ارتش اسرائیل برخی از مهم‌ترین اهداف این موج از حمله موشکی ایران بودند. رژیم‌صهیونیستی با قرار دادن مراکز نظامی خود در نزدیکی تأسیسات غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها، تلاش کرده بود از آن‌ها به‌عنوان سپر انسانی استفاده کند. با این حال، دقت موشک‌های ایرانی امکان هدف‌گیری دقیق این مراکز را فراهم کرد. در این حملات، سایت‌های راداری رژیم که قابلیت کشف حملات را داشتند، منهدم شدند و این امر توانایی رژیم‌صهیونیستی برای واکنش به موقع را به‌شدت کاهش داد.

سورپرایز با موشک‌های یک دهه پیش

عصر همان روز، موج جدیدی از حملات با استفاده از موشک‌های سجیل که بیش از یک دهه پیش توسعه یافته بودند و همچنین پهپادهای پیشرفته آغاز شد. این حملات به‌صورت پیوسته به تمامی سرزمین‌های اشغالی از شمال تا جنوب گسترش یافت. در این موج، ۱۲ ساختمان بسیار حساس دولتی، نظامی و امنیتی رژیم، شامل مراکز فرماندهی اصلی، مورد برخورد قرار گرفتند. موشک‌های سجیل، با وجود قدمت بیش از ۱۰ سال، خسارات عظیمی به زیرساخت‌های رژیم وارد کردند. انهدام سایت‌های راداری رژیم در این موج، توانایی کشف و واکنش به حملات بعدی را بیش از پیش مختل کرد.

جمعه دقیق

روز جمعه، دو موج دیگر از حملات موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی انجام شد که به ترتیب به‌عنوان موج‌های شانزدهم و هفدهم عملیات «وعده صادق ۳» ثبت شدند. این حملات با استفاده از موشک‌های پیشرفته و کلاهک‌های چندگانه، توانایی‌های جدیدی از تسلیحات ایران را به نمایش گذاشتند. صبح روز جمعه، یک موشک دقیق از خاک ایران شلیک شد و مرکز ارتباطات رژیم‌صهیونیستی در پارک فناوری گاو یام در بئرالسبع را مستقیماً هدف قرار داد. این موشک با دقت فوق‌العاده به هدف اصابت کرد و نشان داد که سامانه‌های پدافند موشکی رژیم‌صهیونیستی به‌شدت تضعیف شده‌اند. این حمله، اثبات‌کننده افزایش اثرگذاری موشک‌های ایرانی بود و نشان داد که ایران قادر است اهداف حساس را با دقت بالا مورد اصابت قرار دهد. بعدازظهر روز جمعه، موج هفدهم حملات موشکی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سرزمین‌های اشغالی انجام شد. رسانه‌های عبری‌زبان گزارش دادند دست‌کم ۳۰ فروند موشک از خاک ایران شلیک شده است. بر اساس اطلاعات ارتش اسرائیل، برخی از این موشک‌ها به مناطقی در شمال، از جمله حیفا و در جنوب مانند بئرشبع، برخورد کردند. گزارش‌ها همچنین از استفاده ایران از نوع جدیدی از موشک‌ها خبر دادند که پیش از این در حملات استفاده نشده بودند. مطابق ادعای رسانه‌های عبری در این حمله، یک فروند موشک با کلاهک چندگانه شلیک شد که تمامی ۲۶ کلاهک فرعی آن به اهدافی اصابت کردند. این ویژگی، توانایی سامانه‌های دفاعی رژیم‌صهیونیستی را در مهار موشک‌های ایرانی به‌شدت کاهش می‌دهد تا رژیم صهیونیستی پس از ناکامی از اهداف اولیه خود در نبرد با ایران با یک شگفتانه جدید مواجه شده باشد. همچنین، العربیه به نقل از رسانه‌های اسرائیلی اعلام کرد یکی از موشک‌ها در نزدیکی ساختمان وزارت کشور در حیفا فرود آمده و خسارات گسترده‌ای به بار آورده است. اسرائیل‌تودی نیز گزارش داد ارزیابی‌های اولیه از وقوع دست‌کم سه تا پنج اصابت مستقیم حکایت دارد.

آخر هفته طوفانی اسرائیل

استفاده از موشک‌های با کلاهک چندگانه و موشک‌های دقیق مانند آنچه در حمله به پارک فناوری گاو یام به کار رفت، نشان‌دهنده پیشرفت‌های قابل‌توجه ایران در فناوری موشکی است. این توانایی، رژیم‌صهیونیستی را در برابر حملات ایران آسیب‌پذیرتر کرده است. اصابت مستقیم موشک‌ها به اهداف حساس، از جمله پایگاه‌های نظامی و مراکز اقتصادی، نشان‌دهنده ناکارآمدی سامانه‌های دفاعی رژیم مانند گنبدآهنین و دیگر سیستم‌های پدافندی است. ترکیب استفاده از موشک‌های قدیمی مانند سجیل با موشک‌های جدید با کلاهک‌های چندگانه و پهپادهای پیشرفته نشان‌دهنده تنوع و انعطاف‌پذیری زرادخانه تسلیحاتی ایران است. این حملات به‌عنوان بخشی از عملیات «وعده صادق ۳»، پیامی قاطع به رژیم‌صهیونیستی و حامیان آن بود که ایران توانایی پاسخگویی قدرتمند به هرگونه تهدید را دارد.

پهلوی، رجوی و علی‌نژاد باز هم در کنار متجاوز به ایران و در مقابل مردم ایستادند

بلاهت براندازی

به نظر می‌رسد نتانیاهو در تعیین زمان‌بندی برای تجاوز به ایران مرتکب یک اشتباه شده و آن هم عدم هماهنگی با مسیح علی‌نژاد در آمریکاست! چون مسیح علی‌نژاد گفته که اسرائیل باید صبر می‌کرد تا اول اعتراضات داخلی آغاز شود و درواقع زمان حمله را با آنها هماهنگ می‌کرد! علی‌نژاد که همچون سایر براندازان ایرانی نقش مهمی برای خود در موضوعات پیرامون ایران قائل است، فکر می‌کند اسرائیل باید او را در این مسیر به حساب می‌آورد!

براندازان ایرانی وضعیت ترحم‌برانگیزی دارند، سال‌هاست به نوعی از بیچارگی دچار شده‌اند که به هر چیزی برای تغییر نظام در ایران چنگ می‌زنند و درنهایت هم نه‌تنها به آنچه می‌خواهند نمی‌رسند، بلکه از قضا روزبه‌روز عقب‌تر می‌روند. در همه این سال‌ها براندازان تلاش کرده‌اند با کمک قدرت خارجی و بیگانه بر ایران مسلط شوند، اما هر بار شکست خورده‌اند. یکی از نکات اصلی که نادیده گرفته‌اند و باعث شکست آنها شده، همین عدم استقلال و وابستگی به دولت‌های دیگر، خصوصاً دولت‌هایی است که دشمنی آنها برای مردم ایران روشن است. یکی از کاخ سفید آویزان شده و کمک می‌خواهد، دیگری کمک را از اتحادیه اروپا گدایی می‌کند و یکی دیگر هم التماس حمایت از اسرائیل دارد. اما آنچه محاسبه نکرده‌اند، نگاه بسیار منفی مردم ایران به عدم استقلال است. امری که باعث می‌شود مردم با آنها همراه نشوند و حتی وقتی این وابستگی در دوران جنگ روی می‌دهد، فراتر از عدم همراهی، تنفری جمعی نسبت به آنها شکل بگیرد.

مثال روشن این ادعا، گروهک تروریستی رجوی است که صدها اقدام تروریستی را علیه مردم ایران رقم زدند و به همان هم قانع نشدند و در دوران جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، همراه بعثی‌ها یعنی دشمن متجاوز شدند و برای ابد نشان دادند که جز دشمنی، نسبتی با ایران ندارند و البته چنان میان مردم منفور شدند که تا ابد جایی در میان این ملت نخواهند داشت. براندازان ایرانی سرنوشت این منافقین کذایی را دیده‌اند و باز در همان مسیر می‌روند و با متجاوز به ایران پیمان وحدت می‌بندند!

فقط هم علی‌نژاد و رفقای براندازش نیستند که این روزها دنبال بالاترین بهره‌مندی از تجاوز اسرائیل به ایران هستند. خود گروهک رجوی هم باز همان مسیر دهه شصت را می‌رود. سلطنت‌طلبان حامی پهلوی و خود پهلوی هم که پیمان با اسرائیل را از قبل بسته بودند، اکنون ذوق‌زده از بمب‌هایی هستند که بر سر مردم ایران فرود می‌آید!

بروز و ظهور بیرونی و رسانه‌ای‌شان هم بی‌بی‌سی فارسی و اینترنشنال و منوتو و امثال اینها است که از دولت‌های متجاوز و حامی متجاوز پول می‌گیرند و برای همان از متجاوز مزدوری می‌کنند. همین‌ها نشان می‌دهند اپوزیسیون ایرانی باهوش نیست؛ یعنی هنوز پس از چند دهه نفهمیده که ملت ایران با دخالت خارجی کنار نمی‌آید. چاره‌ای هم البته برای آنها نمانده است. مردم آنها را نمی‌خواهند و با آنها همراه نمی‌شوند، لذا آنها برای رسیدن به جاه‌طلبی خود آویزان قدرت‌های خارجی شده‌اند و التماس آنها را می‌کنند.

رجوی مثل همیشه در کنار متجاوز

دارودسته رجوی از دهه شصت و زمان جنگ بعثی‌ها علیه ایران نشان دادند که از هیچ اقدامی برای رسیدن به قدرت ابایی ندارند، حتی اگر آن اقدام ایستادن کنار متجاوزان به میهن و جاسوسی برای بیگانه و وطن‌فروشی باشد. در روزهای اخیر هم مریم رجوی واکنشی به تجاوزات اسرائیل به خاک کشورمان داشته که عجیب نیست و مشی همیشگی این تروریست‌های کوچولو را نشان می‌دهد. سرکرده گروهک تروریستی منافقین، در جریان جلسه پارلمان اروپا ضمن حمایت از حملات رژیم صهیونیستی به ایران گفت: «این جنگ، آغاز فصل جدیدی است»! البته همین که این تروریست در جلسه پارلمان اروپا حضور دارد، سطح اتحادیه اروپا را هم روشن می‌کند.

پهلوی در کنار متجاوز

رضا پهلوی، شاهزاده ناکام آخرین حکومت پادشاهی ایران هم در هفته‌ای که گذشت، ذوق‌زده از تجاوز اسرائیل به ایران، صحبت از سرنگونی نظام در ایران کرد. او البته در سال‌های گذشته هم برای آنکه به خیال پادشاهی در ایران برسد، آویزان نتانیاهو شده بود و آنها چندان حسابش نکرده بودند، اما حالا خوشحال‌تر از همیشه، وهم او را گرفته که بوی کباب راه افتاده است. همچنین او در بیانیه‌ای گفته: «جمهوری اسلامی به پایان خود رسیده و در حال سقوط است.» و از مردم در ایران خواسته «به صحنه بیایند و پایان این رژیم را رقم بزنند.» او در ادامه نیت اصلی را که رسیدن خودش به قدرت است، عیان کرده و گفته برای آینده ایران برنامه دارد و «برای صد روز نخست پس از سقوط، دوران گذار و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک» آماده است.

مسیح علی‌نژاد در کنار متجاوز

مسیح علی‌نژاد هم که بارها خواستار دخالت نظامی غربی‌ها علیه ایران شده بود، به نظر می‌رسید اکنون باید خوشحال باشد، اما چون متوجه همبستگی و وحدت بیشتر مردم با همدیگر شد و حتی برخی عناصر مخالف نظام را علیه اسرائیل و در کنار مردم دید، اکنون می‌گوید اسرائیل باید بعد از آغاز اعتراضات مردمی به ایران حمله می‌کرد.

او نه از اصل حمله اسرائیل به ایران، بلکه از زمان‌بندی آن ابراز نارضایتی کرده و گفته: «اسرائیل همه برنامه‌های ما را به‌هم ریخت. نتانیاهو باید صبر می‌کرد تا اعتراضات و اعتصابات گسترده بعدی آغاز شود و سپس با هماهنگی با اپوزیسیون حمله می‌کرد.» او در اظهاراتی که ناامیدی شدید او را به دلیل وحدت مردم مقابل متجاوز نشان می‌داد، گفت: «اقدام نظامی اسرائیل، اپوزیسیون و پروژه براندازی را حداقل ۱۵ تا ۲۰ سال به حاشیه برد. مردم حالا به اشتباه طرفدار جمهوری اسلامی شده‌اند.» موضوع خیلی ساده است. تجاوز اسرائیل قرار بود ایران را به‌هم بریزد، اما موجب وحدت بیشتر شد و حالا همان شخص براندازی که دنبال تجاوز اسرائیل به ایران بود، وقتی شکست اجتماعی پروژه را می‌بیند، مسئولیت آن را برعهده نمی‌گیرد و می‌گوید نتانیاهو در زمان‌بندی اشتباه کرد.